فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی، سال هفدهم، شماره هفتاد، ص۱۴۸-۱۲۹، زمستان ۱۴۰۲
Scientific Quarterly of Research on Addiction, Vol. 17, No. 70, P 129-148, Winter 2024

مقاله پژوهشی
Research Article

عوامل خانوادگی مؤثر بر نگرش جوانان نسبت به مصرف مواد مخدر: یک مطالعه کیفی

فهیمه قره‌چاهی[۱]، عباس رحمتی[۲]، پریسا حاج‌کرمی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر نگرش جوانان نسبت به مصرف مواد مخدر انجام شد. **روش:** روش پژوهش حاضر کیفی مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی بود. جامعه آماری شامل جوانان مصرف‌کننده مواد شهرستان نی‌ریز بود که از این میان ۱۵ نفر براساس نمونه‌گیری هدفمند و با استفاده از تکنیک اشباع داده‌ها انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها با روش مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام گرفت. **یافته‌ها:** از مجموع داده‌ها، ۹ مفهوم اولیه، ۴ مقوله عمده تحت عنوان تعاملات نامناسب والد-فرزندی، عدم نظارت کافی، تعارضات زناشویی والدین و ادراکات سوق‌دهنده به سمت مواد و نهایتا یک مقوله هسته‌ای الگوی ناکارآمد خانوادگی استخراج گردید. **نتیجه‌گیری:** براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت روابط والد-فرزندی و نظارت والدینی یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده نگرش مثبت جوانان به مواد مخدر است. براین اساس، خانواده را می‌توان مهم‌ترین عامل در پیشگیری و ایجاد گرایش فرزندان به سمت موادمخدر دانست.

کلیدواژه‌ها: نگرش نسبت به مواد مخدر، رابطه والد- فرزندی، نظارت والدین

۱. کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.
۲. استاد، گروه مشاوره، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.
۳. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. پست الکترونیک: phajkarami@ut.ac.ir

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

مقدمه

امروزه یکی از مهم‌ترین مشکلات جوامع، مسئله مواد مخدر و اعتیاد به آن است. سازمان بهداشت جهانی[1] مسائل مرتبط با مواد مخدر (اعم از تولید، حمل‌ونقل، توزیع و مصرف) را در کنار سه مسئله مهم دیگر، یعنی انباشت سلاح‌های کشتارجمعی، فقر و نابرابری طبقاتی و آلودگی‌های محیط‌زیستی، از مسائل اساسی جهانی برمی‌شمارد که زندگی بشر را در عرصه جهانی و در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در معرض خطر قرار داده است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۵). اعتیاد یکی از نابهنجاری‌های روانی- اجتماعی است (اثامنه، استین، کوئیزنبری، پوپ و بیکل[2]، ۲۰۱۷) که از اختلال مصرف برخی مواد از جمله تریاک، حشیش و الکل نشأت می‌گیرد و موجب وابستگی فیزیولوژیک و روانی فرد به مواد مذکور می‌شود. این وابستگی آثار ناخوشایندی بر عملکردهای جسمی، روانی و اجتماعی فرد مبتلا می‌گذارد؛ تا بدان جا که در موارد حاد، ممکن است زندگی فردی و اجتماعی وی را به‌طور جدی مورد تهدید قرار دهد (نوئل، برووزر و بچارا[3]، ۲۰۱۳). دیویسون و نیل[4] (۲۰۰۱) وابستگی به مواد را فرایندی تدریجی معرفی می‌کنند که در ابتدا با نگرش مثبت نسبت به مواد شروع می‌شود.

نگرش، به مجموعه‌ای از شناخت‌ها، باورها و عقاید اشاره دارد که دربرگیرنده ارزشیابی‌های مثبت و منطقی احساسات بوده و همگی به یک موضوع مرکزی مربوط می‌شوند (کریمی، ۱۳۹۶). نگرش‌ها تبیین‌کننده تداوم رفتار فرد در مواجهه با مسائل و شرایط مختلف هستند (میثمی، فرامرزی و هلاکویی‌نایینی، ۱۳۸۵). نگرش مثبت به مصرف مواد، پیش‌نیاز اختلال مصرف مواد تلقی می‌شود؛ به بیان دیگر، هنجارهای ذهنی و نگرش‌های مثبت نسبت به مواد موجب شکل‌گیری نیات و مقاصد نسبت به مواد و سپس ارتکاب عمل مصرف آن می‌گردند (کوتر[5]، ۲۰۰۲). درواقع، افرادی که به پیامدهای منفی مواد آگاهند، در قیاس با افرادی که چنین آگاهی ندارند، با احتمال کمتری به مصرف مواد روی می‌آورند.

1. World Health Organization
2. Athamneh, Stein, Quisenberry, Pope & Bickel
3. Noël, Brevers & Bechara
4. Davison & Neal
5. Kuther

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

ازجمله مفاهیم مهم روانی-اجتماعی تأثیرگذار در شکل‌گیری نگرش مثبت به مصرف مواد مخدر، نهادها و شبکه روابط متقابل فرد است. نتایج تحلیل فتحی و موسوی‌فر (۱۳۹۵) سه عامل مهم از جمله انتظارات از جامعه، انتظارات از خانواده و علل اجتماعی را به‌عنوان مضمون‌های اصلی اعتیاد معرفی کرده‌اند. براساس پژوهش‌ها، خانواده مهم‌ترین عامل در ایجاد و یا پیشگیری گرایش فرزندان به مصرف مواد مخدر، شناسایی شده است (فولادی، ۱۳۹۵؛ پیکو و کوواس[1]، ۲۰۱۰). در واقع، به دلیل اهمیتی که خانواده در پیشگیری از اعتیاد دارد، در غالب پژوهش‌ها به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است (دی‌پیترو[2]، ۲۰۰۷).

در میان عوامل مختلف مرتبط با خانواده، نظارت والدین به‌عنوان یکی از عامل‌های تعیین‌کننده در بروز رفتارهای ضداجتماعی و ناسالم نوجوانان و جوانان بوده و از متغیرهای اصلی گرایش آنها به سمت رفتارهای پرخطر شناخته می‌شود (پاسکال، رینگ والتو و فلولینگ[3]، ۲۰۰۳؛ موستانسکی، اسوان، نیوکمب و پراچاند[4]؛ ۲۰۱۷؛ کیو-کلارک، ویلی، لونتال و کروگر[5]، ۲۰۲۱). نظارت والدین به‌طور مختصر میزان نظارت و رسیدگی والدین بر فعالیت‌های فرزندانشان است (دیکلمنت[6] و همکاران، ۲۰۰۱). نظارت والدین به این معناست که والدین به چه اندازه اطلاع دارند که فرزندشان زمان‌هایی که با آنها نیست، کجا و چگونه اوقاتش را سپری می‌کند (رامر و ریز[7]، ۲۰۰۷؛ لارم، لیوینگستون، اسونسون، لیفمن، و رانینن[8]، ۲۰۱۸). میزان و چگونگی نظارت والدین، عامل محافظتی مهمی در مقابل مشکلات رفتاری فرزندان به‌شمار می‌آید (پردل، ۱۳۹۴). نظارت صحیح والدین بر فرزندان‌شان با کاهش احتمال بروز رفتارهای پرخطری همچون مصرف الکل، سیگار و درگیری‌های فیزیکی (فالو[9] وهمکاران، ۲۰۱۰؛ ادیکایو، سباند، آدنیران و آدسکان[10]،

1. Piko & Kovács
2. Di Pietro
3. Paschall, Ringwalt & Flewelling
4. Mustanski, Swann, Newcomb & Prachand
5. Keogh-Clark, Whaley, Leventhal & Krueger
6. DiClemente
7. Romero & Ruiz
8. Larm, Livingston, Svensson, Leifman & Raninen
9. Fallu
10. Odukoya, Sobande, Adeniran & Adesokan

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

۲۰۱۸)، روابط جنسی پرخطر (ریسی، گرهارد و کیستنر[1]، ۲۰۰۳) و مشکلات تحصیلی و ترک‌تحصیل (خادمی احمدآباد و شریفی، ۱۳۹۸؛ اونشی، کاواباتا، کوروکاوا و یوشیدا[2]، ۲۰۱۲) همراه است. پژوهش ملوندا[3] و همکاران (۲۰۱۲) نیز بیانگر احتمال درگیری کمتر جوانان با اختلال مصرف مواد در خانواده‌های با سطح نظارت مناسب است.

رابطه والد- فرزندی یکی دیگر از عوامل تعیین‌کننده مرتبط با خانواده است که بر بسیاری از مسائل ناشی از خانواده تأثیر دارد. به همین ترتیب، رابطه والد- فرزندیِ مناسب می‌تواند به‌عنوان عامل محافظت‌کننده‌ای در برابر رفتارهای آسیب‌زای فرزندان عمل کند (لاک، فارهات، جانوتی و سیمونز-مورتون[4]، ۲۰۱۰؛ صدری‌دمیرچی، رئیس‌قره درویشلو و رحیمی‌زرج‌آباد، ۱۳۹۷). روابط مناسب والد-فرزندی موجب درگیری بیش‌تر و جدی‌تر والدین در مسائل مرتبط با فرزندان‌شان شده و به آنها فرصت بیشتری برای نظارت و کنترل‌شان بر رفتار فرزندان می‌دهد. همچنین روابط مناسب والد-فرزندی باعث می‌شود که نوجوانان تمایل بیشتر به همانندسازی با والدین خود و پیروی از الگوی رفتاری آنها و بدین ترتیب، تمایل کمتر به مصرف مواد داشته باشند.

شناسایی همه مؤلفه‌ها و عوامل گرایش به مصرف مواد مخدرکاری دشوار است؛ اما پرداختن به تعدادی از متغیرها و عوامل دخیل در این رفتارها، خصوصاً عوامل زمینه‌ساز خانوادگی، ضریب پیش‌بینی اختلال مصرف مواد را بالا برده و مسئولان را در جهت پیشگیری اولیه و تدوین برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی خانواده‌های در معرض خطر یاری می‌دهد. یکی از اقدامات مرتبط با پیشگیری و مقابله با اختلال مصرف مواد مخدر در بین گروه‌های نوجوان و جوان، تغییر و اصلاح نگرش ایشان نسبت به مصرف این مواد است. بهبود رابطه والد-فرزندی و نظارت صحیح والدین، نگرش فرزندان را نسبت به کاهش مصرف مواد تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ چراکه والدین از کودکی تا اوایل جوانی، نفوذ زیادی بر فرزندان خود دارند. با نگاهی به تحقیقات انجام‌شده، می‌توان بیان کرد که بررسی عمیق و توجه به نگرش نوجوانان و جوانان مصرف‌کننده مواد با تأکید بر کنترل و

1. Risi, Gerhard & Kistner
2. Onishi, Kawabata, Kurokawa & Yoshida
3. Mlunde
4. Luk, Farhat, Jannotti & Simons-Morton

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]
[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

نظارت والدینی و رابطه والد-فرزندی موضوعی است که همزمان به آن پرداخته نشده است. هرچند در بحث روابط والد-کودکی و نظارت والدین تا حدودی با رویکردهای کمّی، تحقیقاتی صورت گرفته و همچنین تعدادی تحقیقات کیفی در رابطه با عوامل تأثیرگذار بر اعتیاد مورد پژوهش قرارگرفته‌اند؛ با این حال به نظر می‌رسد، مؤلفه نظارت والدین و رابطه والد-فرزندی در نگرش مصرف‌کنندگان و تأثیر آن، مورد پژوهش کیفی قرار نگرفته است تا زوایای پنهان آن کشف و مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین به منظور آشکارسازی زوایای پنهان و عمیق نگرش مصرف‌کنندگان مواد مخدر، نیاز به انجام مطالعه کیفی با رویکرد پدیدارشناسانه احساس می‌شود تا بدین وسیله بتوان زیربنای لازم برای انجام مداخلات پیشگیرانه را فراهم ساخت. بر همین اساس مطالعه حاضر با هدف پاسخ به این سؤالات از جوانان انجام گرفته است که عوامل زمینه‌ساز اعتیاد در خانواده با تأکید بر نظارت والدین خود و نحوه تعامل رابطه والد-فرزندی را بر نگرش خود چگونه تفسیر می‌کنند.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر کیفی و مبتنی بر رویکرد پدیدارشناختی[1] بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال مصرف‌کننده مواد در شهرستان نی‌ریز بودند. ۱۵ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند و با بیشترین تنوع انتخاب شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته بود و تا رسیدن به غنای لازم و اشباع اطلاعاتی ادامه یافت. پس از انجام ۱۵ مصاحبه اطلاعات جدیدی حاصل نشد و تکرار داده‌های قبلی بودند. ملاک‌های ورود برای شرکت‌کنندگان شامل اعتیاد به یکی از مواد مخدر حداقل طیّ یک سال گذشته، توانایی جسمانی و روحی برای همکاری در پژوهش، جنسیت مرد و دامنه سنی بین ۱۸ تا ۳۵ سال بود. معیارهای خروج شامل عدم تمایل افراد جهت ادامه همکاری در مطالعه بود. جهت رعایت اصول اخلاقی، ضمن اخذ رضایت شفاهی از افراد جهت شرکت در مطالعه، به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد که شرکت در مطالعه و ضبط مصاحبه‌ها

1. phenomenological

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

به‌صورت اختیاری است. همچنین، اطلاعات آن‌ها به صورت محرمانه نزد پژوهشگر خواهد ماند و افراد در هر مرحله از پژوهش حق کناره‌گیری از مطالعه را خواهند داشت. در این پژوهش از روش کنترل اعضا جهت اعتباریابی پژوهش استفاده شد. در این روش با ارائه مجدد یافته‌ها به خود مشارکت‌کنندگان، از آنها جهت سنجش صحت و اطمینان‌پذیری داده‌ها اظهارنظر می‌شود. درنهایت، داده‌های گردآوری شده در فرایند مصاحبه‌ها نیز با استفاده از روش تحلیل مضمون[1] تحلیل شد. پرسش یا مسئله اصلی این پژوهش این است که افرادی که تجربه اعتیاد را داشته‌اند، عوامل زمینه‌ساز اعتیاد در خانواده را چگونه تفسیر می‌کنند؟ این مسئله در قالب سه پرسش زیر در مصاحبه‌ها مطرح شده است:

۱- تجربه ارتباط با والدین‌تان از کودکی تا به امروز را چگونه تفسیر می‌کنید؟

۲- تفسیر شما از نظارت پدر و مادر بر عملکرد و فعالیت‌هایتان از کودکی تا به امروز چیست؟

۳- عوامل زمینه‌ساز نگرش مثبت به اعتیاد در خانواده‌تان را چه می‌دانید و چگونه توضیح می‌دهید؟

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: مشخصات جمعیت‌شناختی افراد مصاحبه‌شونده

شماره فرد مصاحبه‌شونده	سن	جنسیت	شماره فرد مصاحبه‌شونده	سن	جنسیت
مصاحبه‌شونده شماره ۱	۲۹	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۹	۲۶	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۲	۲۰	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۱۰	۲۲	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۳	۲۸	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۱۱	۲۴	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۴	۳۰	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۱۲	۲۴	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۵	۳۰	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۱۳	۱۸	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۶	۳۵	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۱۴	۲۷	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۷	۲۶	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۱۵	۲۸	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۸	۱۸	مرد			

1. Thematic analysis

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق ابزار مصـــاحبه، در مرحله اول متن همه مصـــاحبه‌ها به‌صـــورت خط به خط تحلیل و کدگذاری شـــد. پس از ادغام کدهای تکراری در چند مرحله، عوامل خانوادگی مؤثر بر نگرش جوانان نسبت به مصرف مواد مخدر در ۹ زیرطبقه و ۴ طبقه تحت عنوان تعاملات نامناســـب والد-فرزندی، عدم نظارت کافی، تعارضـــات زناشـــویی والدین و ادراکات ســـوق‌دهنده به ســـمت مواد و یک مقوله هســـته‌ای الگوی ناکارآمد خانوادگی طبقه‌بندی شد. نتایج حاصل از فرایند تحلیل و کدگذاری داده‌ها یعنی اسـتخراج عبارت‌ها از مصـاحبه‌ها، کدگذاری باز (شـناسـایی مضـامین اولیه) و کدگذاری محوری (دسته‌بندی مضامین اولیه و ایجاد توصیفات جامع) در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: مضامین استخراج شده از محتوای مصاحبه با نمونه مورد پژوهش

مفاهیم اولیه	مقولات عمده	مقوله محوری
سبک نامناسب فرزندپروری خشونت والدین محبت ناکافی	تعاملات نامطلوب والد-فرزندی	الگوی ناکارآمد خانوادگی
نبود توجه و نظارت	عدم نظارت کافی	
اختلافات والدین	اختلافات زناشویی والدین	
اعتمادبه‌نفس کاذب مصرف مواد به‌عنوان عامل پیشرفت بزرگ و برجسته شدن با مصرف مواد مصرف مواد به‌عنوان پرکننده خلأ عاطفی	ادراکات سوق‌دهنده به مصرف مواد	

در ادامه، مفاهیم طبقات مختلف بررسی و تشریح می‌شود.

۱. تعاملات نامطلوب والد-فرزندی

این مقوله شـامل مفاهیم سـبک نامناسـب فرزندپروری، خشـونت والدین و محبت ناکافی است. نقش تعاملات و مناسبات خانوادگی در آینده فرد بسیار تعیین‌کننده است؛ شیوه‌های ارتباطی و تربیتی خانواده می‌تواند در درک و فهم الگوهای ارتباطی یک فرد مؤثر باشـد؛ چراکه الگوهای متفاوت تربیتی، شخصیت‌های متفاوت را در آینده شکل می‌دهد. پس از تحلیل و کدگذاری صحبت‌های مشارکت‌کنندگان، الگوهای ارتباط و تعاملات خانوادگی به‌عنوان یکی از مقولات عمده استخراج گردید. بیش از ۷۵ درصد مصاحبه‌شوندگان از

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

سبک تربیتی والدین خود ناراضی بودند. تعدادی از این افراد به آسان‌گیری از سوی والدین و مدارای پاینده آنها در بیشتر امور اشاره داشتند و تصریح کردند که والدین‌شان برخورد مناسب و جدی در مورد مسائل آنها نداشتند. در مقابل، تعدادی دیگر، سخت‌گیری بیش‌ازحد والدین را زمینه‌ساز گرایش‌شان به مصرف مواد دانسته‌اند.

– در بررسی تحلیل داده‌ها در مفهوم «سبک نامناسب فرزندپروری»، مشارکت‌کنندگان نوع تعامل خود با والدین را در دو مفهوم جزئی‌تر والد سهل‌گیر و والد سخت‌گیر تقسیم‌بندی کردند. والدین سهل‌گیر، نظارت و کنترل پایین‌تری نسبت به سایر والدین بر فعالیت‌های فرزندان‌شان اعمال می‌کنند. به‌عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۳ می‌گوید: *«اینکه چرا معتاد شدم بخاطر این بود که کسی توی خونه جرأت نداشت چیزی بهم بگه وگرنه چنان داد و قالی راه می‌نداختم که بیا و ببین. اگه چیزی می‌خواستم که مخالف نظرشون بود چنان قشقرقی بپا می‌کردم، شده بود آسمون رو به زمین می‌آوردم تا خواسته‌ام رو اجابت کنند. بیچاره‌ها چاره‌ای نداشتن، هربار چیزی می‌خواستم می‌دونستم هرجور شده به دستش میارم و آخرش حرفمو به کرسی می‌نشونم».* بعضی از مصاحبه‌شوندگان نیز به مفهوم والد استبدادگر که به گرایش هرچه بیشتر آنها به سمت اعتیاد و دوستان ناباب کمک کرده است، اشاره داشته‌اند. این نوع والدین پرتوقع بوده و توجهی به نیازهای فرزندان‌شان ندارند. برای نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۱ تجربه خود را این‌گونه بیان می‌کند: *«توی خونه ما تصمیم‌گیرنده اصلی همه امور بابام بود. من هیچ‌وقت نتونستم با بابام کنار بیام؛ همیشه با داد و دعوا و کتک‌کاری می‌خواست مسائل خونه رو حل کنه. منم از رفتارهاش عصبی می‌شدم و دلم می‌خواست فقط انتقام بگیرم، همین شد که به کارهایی که نباید، دست زدم.»*

– از مفاهیمی که تعداد دیگری از مشارکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند، «خشونت والدین» است. خشونت عبارت است از رفتاری که با هدف آسیب رساندن به دیگری از فرد سر می‌زند و دامنه آن از توهین، تحقیر، ضرب و جرح، تجاوز، تا تخریب اموال و جان افراد را شامل می‌شود. براساس تحلیل مصاحبه‌ها، خشونت جسمی و پرخاشگری والدین از مواردی بود که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند. ایشان، خشونت و پرخاشگری را

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

به‌عنوان یک روش حل‌مسئله از سوی والدین خود آموخته و در زندگی خود نیز به کار می‌گیرند. مصاحبه‌شونده شماره ۷ از مشارکت‌کنندگانی است که تجربه خود را چنین بیان می‌کند: «*بابام هم خیلی بداخلاق بود و هم کتکم می‌زد. این وقت‌ها من از ناراحتی پناه می‌بردم به پسرعمه‌ام که اون هم موادفروش بود. بابام دائم باهام دعوا می‌کرد، به خواسته‌هام اصلاً اهمیت نمی‌داد و اعتیاد من هم براشون (خانواده) اهمیتی نداشت*».

– مفهوم «محبت ناکافی» اشاره به دریافت فرزندان از کمبود محبت و نبود احساس آرامش و امنیت از سوی والدین در دوران کودکی دارد که تأثیرات آن در آینده آنها مشخص می‌شود. در این پژوهش نیز تقریباً نیمی از مشارکت‌کنندگان، احساس کمبود صمیمیت و محبت در محیط خانوادگی خود را به انحای مختلف احساس و گزارش کرده‌اند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ نظر خود را به این صورت بیان می‌کند: «والدینم کشاورز بودند و من بچه آخرشان. کنکور رشته مکانیک که خیلی هم بهش علاقه داشتم توی یک شهر دور قبول شدم اما بابام که مادیات براش خیلی مهم بود اجازه نداد برم. می‌گفت همین‌جا بمون و توی کارهای کشاورزی به ما کمک کن. اینجا بود که یک دفعه احساس کردم اهمیتی برای خانواده‌ام ندارم و کم‌کم ازشون دور شدم و دوستانم جای خانواده را برای من پر کردند».

۲. عدم نظارت کافی

نظارتِ مناسب والدین بر فعالیت‌های کودکان و نوجوانان باعث پیشگیری از مصرف مواد یا تأخیر در شروع مصرف در سنین جوانی می‌گردد. ارتباط و دلبستگی قوی والدین با فرزندان مانع مصرف مواد در میان نوجوانان می‌شود. همچنین نظارت و رسیدگی مناسب به رفتار فرزندان، در کاهش بزهکاری آنان مؤثر است. مصاحبه‌شونده شماره ۲ از مشارکت‌کنندگانی که به دلیل فضای پرتنش خانواده، تصمیم به ترک خانه داشته است، تجربه خود را چنین بیان می‌کند: «*بودن و موندن توی محیط پردعوای خونه‌مون منو اذیت می‌کرد؛ این شد که از خونه رفتم اما اگه والدینم دنبالم می‌اومدند که ببینند کجا هستم و چیکار می‌کنم؛ اصلاً معتاد نمی‌شدم*». مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ که زندگی در روستا او را خسته کرده و به شهر مهاجرت کرده بود، تجربه خود را این‌گونه اظهار داشت: «*به شهر که*

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

اومدم یه اتاق اجاره کردم، روزها برای کار می‌رفتم مکانیکی. بعضی وقت‌ها ماشین راننده‌ها خراب می‌شد و شب رو می‌موندن اتاق من و اونجا موادشون رو مصرف می‌کردند. اینجوری شد که من با مواد آشنا شدم، اما اگه والدینم بالا سرم بودند شاید این سرنوشتم نمی‌شد». غالب مشارکت‌کنندگان، پس از فاصله گرفتن از خانواده (جهت تحصیل، کار یا خدمت سربازی) به سمت مصرف مواد سوق داده شده بودند و دوری و عدم نظارت والدین موجب تشدید این موضوع شده است.

۳. اختلافات زناشویی والدین

یکی دیگر از مقولات عمده‌ای که از این پژوهش حاصل آمده، اختلافات زناشویی والدین (اختلاف و تعارض والدین در بستر خانواده) است. اختلافات بین والدین بیانگر شرایطی است که فرزند خود را منفعل دیده و صرفاً یک ناظر بیرونی تصور می‌کند که به تماشای چالش‌ها و تعارض‌های والدینش نشسته و متأثر از این امر، بی‌آنکه بخواهد درگیر احساساتی چون غم و ناراحتی می‌شود. نتیجه بروز اختلافات والدین در ابتدای دوران کودکی و نوجوانی مشارکت‌کنندگان را می‌توان در اَشکال مختلف چالش‌های زودهنگام و زودرس و البته آزاردهنده برای آنان ملاحظه کرد؛ چالش‌هایی که با توجه به نشانه‌گیری احساسات مشارکت‌کنندگان تأثیر عمیقی بر ذهنیت و هویتِ آنها گذاشته و روان آنها را به‌منزله موجودی اندوهناک، پذیرای اموری پرخطر در آینده می‌نماید. مصاحبه‌شونده شماره ۵ یکی از این مشارکت‌کنندگانی است که اختلافات بین والدینش، نه‌تنها آرامش روان وی را تحت‌تأثیر قرار داده، بلکه او را مجبور به ترک خانه و سوق دادن به مصرف مواد کرده‌اند. او بیان می‌دارد: «*بین والدینم دائماً دعوا بود، من قاطی دعواشون نمی‌شدم، ولی اجباراً چون محیط خونه را دوست نداشتم از خونه‌مون زدم بیرون*».

٤. ادراکات سوق‌دهنده به مصرف مواد

یکی دیگر از مقولات عمدهٔ استخراج‌شده در این پژوهش «ادراکات سوق‌دهنده به مصرف مواد» است. این مقوله اشاره به این دارد که گاهی افراد با انگیزه‌های غیرمنطقی مواد را مصرف کرده و به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که این باور غیرمنطقی آنها صحیح است. چنین باورهایی، تأییدکننده مصرف مواد است؛ چراکه یک رفتار نابهنجار را به رفتار هنجار

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]
[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

تبدیل می‌کند. این مقوله عمده مشـــتمل بر مفاهیمِ «اعتمادبه‌نفس کاذب»، «مصـــرف مواد به‌عنوان عامل پیشرفت»، «بزرگ و برجسته شدن با مصرف مواد» و «مصرف مواد به‌عنوان پرکننده خلأ عاطفی» است.

– ازجمله خصـوصـیات برجسـته هر انسـانی، اعتمادبه‌نفس اسـت. گاهی افراد درگیر اعتمادبه‌نفس کاذب زیادی می‌شـوند که منجر به غرورشـان شـده و این امر می‌تواند سـبب انحراف مسیر اهداف‌شان گردد. تحلیل صـحبت‌های مشـارکت‌کنندگان بیانگر این تصـور اسـت که آنها معتقدند که مواد مخدر به‌عنوان یک وسـیله سـرگرمی جهت کسـب لذت اســـت و باور دارند مصـــرف تفننی مواد، اعتیادی برای آنها ایجاد نمی‌کند. همچنین در صورت اعتیاد، با تکیه بر نیروی جوانی توان غلبه بر آن را دارند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ تجربه خود را این‌گونه بیان می‌کند: «*من تصـورم این بود چون ورزشـکارم، معتاد نمی‌شـم، هر وقتی هم اراده کنم، راحت ترک می‌کنم*». براساس یافته‌های تحقیقات، مغز انسان نقش تعیین‌کننده‌ای در اعتیاد دارد. مصرف مواد، محرک لذت در مغز است؛ گاهی فقط یک‌بار لذت مصرف مواد منجر به تمایل فرد به ادامه مصرف می‌شود.

– مفهوم «مصرف مواد به‌عنوان عامل پیشرفت» که تعدادی از مصاحبه‌شوندگان آن را به‌عنوان توجیه منطقی جهت ادامه مصـرف دانسـته‌اند از این امر ناشـی می‌شـود که گمان می‌کردند مواد مخدر، توان و انرژی بیشـتری به ایشـان داده و توانایی بالا و مداومی در کار کردن به آنها ارزانی می‌کند؛ غافل از اینکه مصـرف مواد مخدر صـرفاً در آغاز این فرایند که سیستم زیست‌شناختی بدن هنوز به آن عادت نداشته، می‌تواند قدرت و توان جسمی‌شان را افزایش دهد؛ اما بعد از مدت کوتاهی، این قدرت و توان را به‌صورت مضاعف کاهش می‌دهد. این نکته در صـحبت‌های تعدادی از مشـارکت‌کنندگان آشـکارا بیان شـده اسـت. مصـاحبه‌شـونده شـماره ۲ می‌گوید: «*اولین‌بار که مصـرف کردم، ۲۴ سـاعت رو نخوابیدم و همه این ۲۴ سـاعت رانندگی کردم، اولش زور مواد بود. بخاطر همین برای بیشـتر شـدن قدرت و توان کاریم مواد رو مصرف کردم اما بعداً دیگه برام جواب نمی‌داد*».

– تعدادی از مشارکت‌کنندگان به مفهوم «بزرگ و برجسته شدن با مصرف مواد» اشاره داشتند. این افراد تصور می‌کردند مصرف مواد برایشان بزرگی و شخصیت و برجستگی به

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

ارمغان می‌آورد؛ اما خود ایشان بعد از سال‌ها مصرف به این نتیجه رسیدند که مواد، هر آنچه داشتند، ازجمله شخصیت‌شان را، از آنها گرفته است. این نکته در تجارب بسیاری از آنها به وضوح بیان شده است. برای نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۹ می‌گوید: «توی *یه محله زندگی می‌کردیم که مصرف‌کننده زیاد داشت. منم اون زمان فقط ۹ سالم بود. همیشه فکر می‌کردم کسایی که مواد مصرف می‌کنند قوی هستند، همه‌ش به خودم می‌گفتم ببین پسرعمه که موادفروشه چه اسم و رسمی زده؟!*».

- «مصرف مواد به‌عنوان پرکننده خلأ عاطفی» مفهوم دیگری است که مشارکت‌کنندگان در ضمن اشاره به آن، تصریح می‌کردند که مصرف مواد برای آنها جایگزین نیازهای برآورده نشدهٔ عاطفی‌شان در نتیجهٔ تعارضات خانوادگی بوده است. مصاحبه‌شونده شماره ۸ تجربه خود از مصرف مواد را این‌گونه شرح داد: «*اولین بار که مواد مصرف کردم هرچی خلأهای عاطفی داشتم خصوصاً اونهایی رو که مربوط به نبود پدر حمایت‌گر بود برام پر کرد؛ خدایی خیلی بهم حال داد*».

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف کشف بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر نگرش جوانان نسبت به مصرف مواد مخدر انجام گرفت و چهار مقوله عمده تعاملات نامناسب والد-فرزندی، عدم نظارت کافی، تعارضات زناشویی والدین و ادراکات سوق‌دهنده به سمت مواد استخراج شد. در تحقیقات مختلف، همواره از خانواده به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در پیشگیری از گرایش به سمت مواد مخدر و یا ایجاد این گرایش در فرزندان، یاد کرده‌اند (فولادی، ۱۳۹۵؛ مقدم و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۶؛ پیکو و کوواس، ۲۰۱۰). داده‌های مربوط به تحقیقات دیگر نیز بیانگر این است که ویژگی‌های شخصیتی، نگرش‌ها، باورها، احساسات و عواطف، دلبستگی‌ها، سبک زندگی، روابط اجتماعی و رفتارهای شکل‌گرفته در فرایند رشد فرد، در وابستگی و ایجاد گرایش به مواد مخدر تأثیری اساسی دارند (استون، بکر، هوبر و کاتالانو[1]، ۲۰۱۲؛ میرزایی‌علویجه، نصیرزاده، اسلامی، شریفی‌راد و حسن‌زاده، ۱۳۹۲).

1. Stone, Becker, Huber & Catalano

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر مرتبط با خانواده، الگوی روابط والد-فرزندی است. الگوی ارتباط و تعامل والد-فرزندی را می‌توان از عوامل مؤثر بر نحوه مواجهه مشارکت‌کنندگان با خطرات و مسائل معرفی کرد. می‌توان تبیین کرد در خانواده‌هایی که والدین تعامل ارتباطی مناسبی با فرزندان خود داشته و محبت متعادلی را به آنها عرضه می‌دارند، در آینده، احتمال سوق فرزندان به مصرف مواد بسیارکم است؛ چراکه تعامل مثبت و مناسب والدین با فرزندان، احساس اعتماد و حمایت را در آنها بیشتر می‌کند؛ همچنین روابط عاطفی با والدین‌شان را بهبود بخشیده و موجب افزایش مهارت‌های آنان به خصوص در بحث جرأت‌مندی و سوق به سمت انحرافات می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر با اشاره به اهمیت نقش سازنده خانواده و شیوه برخورد و تعامل والدین با فرزندان در کاهش سوق به اعتیاد، با یافته‌های تحقیقات حسین‌خان‌زاده، طاهر، سیدنوری، یحیی‌زاده و عیسی‌پور (۱۳۹۲)، سلیمی، گوهری، کرمانشاهی و جاودان (۱۳۹۴)، بهرامی‌احسان، میری و عزیزی (۱۳۹۴) و لاک و همکاران (۲۰۱۰) مطابقت دارد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های تحقیقات صدری دمیرچی و همکاران (۱۳۹۷)، لاک و همکاران (۲۰۱۰)، هاراکه، شولت، ورمولت، دوریس و انگلز[1] (۲۰۱۰) و بولبول و اداس[2] (۲۰۱۸) در زمینه نقش الگوهای ارتباطی خانواده در پیش‌بینی اختلال مصرف مواد، هم‌راستا بود. بر این اساس می‌توان تبیین کرد فرزندان در خانواده‌هایی که اعضایش تعامل بسیار کمی با یکدیگر دارند و یا خود را زیاد درگیر تعاملات نمی‌کنند، به‌جای تأثیر از خانواده، تحت تأثیر بستر اجتماعی بیرون از خانه قرار می‌گیرند و احتمال بیشتری دارد به استفاده از مواد گرایش پیدا کنند.

موضوع دیگر مرتبط با تعاملات والد-فرزندی، مسئله نیاز به تعلق و تأیید و پذیرفته شدن نوجوانان و جوانان در گروه دوستان و همسالان است. نیاز به تعلق داشتن، ازجمله نیازهای مهم به‌خصوص در این دوران است که برخی از افراد برای ارضای این نیاز، به‌آسانی با گروه در دسترس و موردنظرشان همنوایی کرده، هنجارهای گروه را پذیرفته و

1. Harakeh, Scholte, Vermulst, Devries & Engels

2. Bülbül & Odacı

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

از عقاید اعضای گروه تقلید می‌کنند و پیوستن به گروه‌هایی که مواد مصرف می‌کنند، بسیار آسان است. هرچه پیوند عاطفی فرد با خانواده، مدرسه و اجتماعات سالم کمتر باشد، احتمال پیوند او با گروه‌های بزهکار بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر جوانان به منظور کسب استقلال و نیاز به تعلق، به این گروه‌ها می‌پیوندند. تحقیقات نیز نشان می‌دهند عامل زمینه‌ساز قوی اعتیاد و مصرف مواد، ارتباط دوستی با همسالان مصرف‌کننده موادمخدر است و معمولاً اولین مصرف مواد به دنبال تعارف دوستان رخ می‌دهد.

نظارت والدین یکی دیگر از عوامل مهم مرتبط با بستر خانواده است که بر چگونگی نگرش و رفتار نوجوانان و جوانان تأثیر بسیاری می‌گذارد. پژوهش حاضر نشان داد که نظارت ناکافی والدین، نقش مؤثری در نگرش مثبت نسبت به اعتیاد در نوجوانان و جوانان داشته است که با نتایج پژوهش رضایی و اسلامی و مهدی‌پورخراسانی(۱۳۹۳)، همسو است. نتایج پژوهش آنها حاکی از این است که بین عواملی چون تعارضات والدین، میزان کنترل‌گری والدین، شیوه گذران اوقات فراغت، میزان دسترسی به مواد و رابطه با دوستان معتاد از یک طرف و گرایش به اعتیاد از طرف دیگر رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های این تحقیق حاکی از این است که خانواده مهم‌ترین نقش را در گرایش به اعتیاد در افراد داراست. همچنین، در پژوهش حاضر مشارکت‌کنندگان، عدم‌کنترل معقول از سوی والدین و غفلت آنها را امری مؤثر در اعتیاد خود می‌دانستند. همسو با این یافته، نتایج تحقیق چمنی و سجادیان (۱۳۹۸) نیز بیانگر این است که عواملی چون اضطراب، غفلت والدین، مشکلات رابطه‌ای با همسالان، قلدری، خطاهای شناختی و نشخوار فکری بر گرایش نوجوانان و جوانان به سوی اعتیاد مؤثر است. در مواردی که والدین از نظارت فرزندشان غفلت نموده و یا زمانی که برخورد مناسبی با نحوه رفتار فرزندشان ندارند، طبیعی است که در موقعیت‌های دیگر، فرزندشان مواردی را از آنها پنهان کنند و مانع از آگاهی والدین‌شان شوند. این مسئله و همچنین ناآگاهی والدین از نحوه نظارت صحیح بر رفتار فرزندان، احتمال خطا رفتن آنها به‌خصوص در زمینه مصرف مواد در سنین جوانی را رقم خواهد زد.

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

اختلافات زناشـویی میان والدین نیز موردی اسـت که مشـارکت‌کنندگان این پژوهش به‌عنوان عاملی در گرایش آنها به مصرف مواد مخدر اشاره کرده‌اند. اختلافات و تعارضات بین اعضای خانواده خصوصاً والدین بر سیستم شناختی، الگوپذیری فرد و نیز کنش متقابل او در آینـده تـأثیر دارد؛ همـان‌طور کـه کلانتری، قنبری، حبیبی و علیزاده (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسـیدند که بین تعارضـات والدین و گرایش به مصـرف مواد با نقش میانجی مشکلات هیجانی-رفتاری رابطه وجود دارد. اسچفر[1] (۲۰۱۳) نیز در پژوهش کیفی، کارکرد ناسـالم خانواده و نقش عملکردی خانواده را علل اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان معرفی می‌کند. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش خادمی احمدآباد و شـریفی (۱۳۹۸) بیانگر رابطه‌ای منفی بین اتمسفر عاطفی خانواده و گرایش به مصرف مواد است؛ به این معنا که، جوّ مثبت خانواده می‌تواند به‌عنوان مانعی در نگرش نوجوانان به مصـرف مواد مخدر نقش ایفا کند. نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان می‌دهد که محبت ناکافی و تعارضـات و اختلاف بین والدین، منجر به احسـاس خلأ و کمبود محبت در ذهنیت مصاحبه‌شوندگان شده است. این احساس خلأ عاطفی برای بسیاری از مشارکت‌کنندگان، زمینه‌سـاز گوشـه‌گیری و ایجاد حسـاسیت، و در عده‌ای دیگر منجر به ایجاد رابطه افراطی پیوندجویی با دوستان و دیگر گروه‌ها برای پر کردن این خلأ و درنهایت گرایش به سمت مواد و مصـرف آن در چنین بسـترهایی بوده اسـت. مطالعات مک و ایکاوو[2] (۲۰۱۹) نیز به اهمیت جنبه‌های روابط والدین مانند گرمی و عاطفه رابطه و سبک روابط با فرزندان تأکید می‌کند.

یکی دیگر از مقولات این پژوهش ادراکات سوق‌دهنده به مصرف مواد به‌عنوان یکی از بسـترها و شـرایط مداخله‌گر و تأثیرگذار در گرایش به مصـرف مواد اسـت که شـامل مقوله‌های اعتمادبه‌نفس کاذب، مصـرف مواد به‌عنوان عامل پیشـرفت، بزرگ و برجسـته شـدن با مصرف مواد و مصرف مواد به‌عنوان پرکننده خلأ عاطفی است. این مقوله، علاوه بر اشـاره به تأثیرات این ادارکات بر ذهنیت و گرایش فرد به مصـرف مواد، بیانگر کمبود آگاهی مشـارکت‌کنندگان از پدیده اعتیاد و همچنین ضـعف مهارت‌های اجتماعی آنها در

1. Schafer
2. Mak & Iacovou

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

برخورد با مشکلات است؛ به‌نحوی‌که برای تعدادی از مشارکت‌کنندگان، عدم ادراک خطر مصرف مواد، عامل مصرف مواد مخدر بوده است. چنین توجیهاتی نشان از کمبود یا فقدان مهارت حل‌مسئله در مشارکت‌کنندگان و آسیب‌پذیری ایشان در این زمینه است که با نتایج تحقیق خواجه‌دولت‌آباد و بوستانی (۱۳۹۳) همخوانی دارد. مسئله ادراکات فرد را می‌توان براساس نظریه کنترل اجتماعی الیوت (۱۹۸۹) نیز تبیین کرد. گاهی علت عدم تعهد افراد به قوانین اجتماعی و گرایش به‌سوی انحرافات اجتماعی مانند مصرف موادمخدر، به دلیل وجود تفاوت زیاد بین سطح آرزوهای فرد و نبود شرایط کافی برای تحقق آنهاست. به این معنا زمانی که شرایط کافی جهت تحقق آرزوها و خواسته‌های فرد وجود نداشته باشد، موجب نارضایتی او خواهد شد و فرد درصدد شناسایی مسیرهای دیگری برای کسب اهداف و آرزوهایش است که ممکن است ناموفق باشد و احتمالاً فرد از طریق گرفتار ساختن خود در مسیرهایی مانند مصرف مواد مخدر تا حدی تنش حاصل از ناکامی خود را تسکین می‌بخشد. نوجوانان و جوانانی که شرایط این‌چنینی را در محیط خانه تجربه می‌کنند و همچنین تحت فشار شدیدی در خانواده باشند، دلبستگی‌شان به محیط خانواده کمتر شده و به‌مرور به همراهی و همنوایی با همسالان گرایش پیدا می‌کنند؛ همسالانی که خود ممکن است مصرف‌کننده مواد مخدر باشند و بدین‌صورت در فرد گرایش به مصرف مواد را ترغیب کرده و احتمال مصرف آن را افزایش دهند (محمدخانی، ۱۳۸۵).

در پایان می‌توان نتیجه گرفت روابط والد-فرزندی و نظارت والدینی یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده نگرش جوانان به مواد مخدر است. برنامه‌ریزی، آموزش و آگاه‌سازی والدین، می‌تواند بر کاهش نگرش مثبت فرزندان به مصرف مواد تأثیر بگذارد. بنابراین می‌توان با آگاه‌سازی والدین در مورد نقش مهم آنها در نظارت صحیح و رابطه تعاملی مثبت بین خود و فرزندشان و آموزش روش صحیح کنترل و ارتباط با فرزندان، در کاهش نگرش مثبت جوانان به مصرف مواد تأثیر گذاشت. مسلماً این امر، گامی مهم در مسیر کاهش رفتارهای پرخطر و راه‌های انحرافی ابراز وجود خود، مانند مصرف مواد مخدر، است. همچنین، پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده به موارد جامع‌تری مانند کیفیت روابط

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

خانوادگی و حمایت اجتماعی در دو گروه زنان و مردان بپردازند و نتایج آنها در سیاست‌گذاری‌های روش‌های تربیتی لحاظ گردند. همچنین می‌توان این پژوهش را از نگاه والدینی که فرزندان نوجوان و جوان آنان درگیر اعتیاد شده‌اند نیز بررسی کرد که کاستی‌های تربیتی و یا نحوه مراودات ایشان نیز کشف شود تا در تدوین راهکارهای پیشگیری و درمان مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

بهرامی‌احسان، هادی؛ میری، میرنادر و عزیزی، کوروش (۱۳۹۴). رابطه سبک‌های والدگری ادارک‌شده مادر و رفتارهای پرخطر. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۴(۵۵)، ۳۷۲-۳۵۸.

پردل، هادی (۱۳۹۴). اثربخشی نظارت والدین بر میزان خطرپذیری نوجوانان. *دو فصلنامه آسیب‌شناسی مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۱(۲)، ۳۳-۲۵.

چمنی، نسرین و سجادیان، ایلناز (۱۳۹۸). رابطه علّی اضطراب، نشخوار فکری، غفلت، روابط با همسالان و قلدری با آمادگی به اعتیاد. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۳(۵۱)، ۲۳۹-۲۱۹.

حسین‌خان‌زاده، عباسعلی؛ طاهر، محبوبه؛ سیدنوری، زهرا؛ یحیی‌زاده، آیدا و عیسی‌پور، مهدی (۱۳۹۲). رابطه شیوه تعامل والد-فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۷(۲۸)، ۷۴-۵۹.

خادمی احمدآباد، مجتبی و شریفی، نسترن (۱۳۹۸). رابطه تحصیلات والدین و جو عاطفی خانواده با گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان پسر دوره دبیرستان. *مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش‌وپرورش*، ۲ (۲)، ۱۴۴-۱۳۶.

خواجه‌دولت‌آباد، روح‌الله و بوستانی، داریوش (۱۳۹۳). بازشناسی تجارب زیسته خانوادگی و اثرگذاری آن بر مصرف مواد (مطالعه موردی؛ دانشجویان وابسته به موادمخدر دانشگاه شهید باهنر کرمان). *فصلنامه توسعه اجتماعی*، ۸(۱)، ۱۸۶-۱۶۵.

رضایی، احمد؛ اسلامی، بهروز و مهدی‌پور خراسانی، ملیحه (۱۳۹۳). نقش خانواده در گرایش جوانان به اعتیاد در شهرستان ورامین. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۵(۱۵)، ۵۰-۲۷.

سلیمی، هادی؛ گوهری، شیوا؛ کرمانشاهی، فاطمه و جاودان، موسی (۱۳۹۴). پیش‌بینی گرایش به اعتیاد براساس مدل فرایند و محتوای خانواده در دانش‌آموزان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۹(۳۴)، ۶۶-۵۳.

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

صدری دمیرچی، اسماعیل؛ رئیس‌قره درویشلو، سجاد و رحیمی زرج‌آباد، نقی (۱۳۹۷). نقش الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی آمادگی به اعتیاد در جوانان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۲(۴۴)، ۱۳۰-۱۱۳.

فتحی، آیت‌اله و موسوی‌فر، بابک (۱۳۹۵). بررسی تجربیات معتادین در خصوص حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی به‌عنوان عوامل تسهیل‌کننده ترک اعتیاد؛ یک مطالعه کیفی. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۰(۳۸)، ۱۳۶-۱۱۹.

فولادی، اصغر (۱۳۹۵). بررسی علل اعتیاد در استان آذربایجان شرقی- شهر تبریز. *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد*، ۳ (۱)، ۷۴-۵۵.

کریمی، یوسف (۱۳۹۶). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات ارسباران.

کلانتری، فاطمه؛ قنبری، سعید؛ حبیبی، مجتبی و علی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۸). ارائه مدل گرایش به مصرف مواد براساس ادراک تعارض بین والدین و نقش میانجی مشکلات هیجانی-رفتاری. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۳(۵۲)، ۳۱۰-۲۹۳.

محمدخانی، شهرام (۱۳۸۵). *مدل ساختاری مصرف مواد در نوجوانان در معرض خطر: ارزیابی اثر آموزش مهارت‌های زندگی بر عوامل میانجی مصرف مواد*. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

مقدم، لیلا و اسماعیل‌پور، خلیل (۱۳۹۶). مقایسه توانمندی خانواده در افراد دارای عود مجدد و افراد تداوم‌دهنده درمان نگهدارنده. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۱(۴۴)، ۹۰-۷۵.

میثمی، علی‌پاشا؛ فرامرزی، بیژن و هلاکویی‌نایینی، کوروش (۱۳۸۵). معتادان در خصوص اعتیاد و مشکلات جامعه چگونه می‌اندیشند؟. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم‌پزشکی تهران*، ۶۴(۵)، ۴۳-۳۴.

میرزایی علویجه، مهدی؛ نصیرزاده، مصطفی؛ اسلامی، احمدعلی؛ شریفی‌راد، غلامرضا و حسن‌زاده، اکبر (۱۳۹۲). تأثیر عملکرد خانواده در وابستگی جوانان به مواد مخدر صنعتی. *فصلنامه علمی-پژوهشی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت*، ۱(۲)، ۳۰-۱۹.

References

Athamneh, L. N., Stein, J. S., Quisenberry, A. J., Pope, D., & Bickel, W. K. (2017). The association between parental history and delay discounting among individuals in recovery from addiction. *Drug and Alcohol Dependence*, 179, 153-158.

Bülbül, K., & Odacı, H. (2018). Comparing high school adolescents' substance abuse tendencies in terms of personal, social and academic variables. *Addicta: The Turkish Journal on Addictions*, 5, 691–719.

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

Davison, G. C., & Neal, J. M. (2001). *Abnormal Psychology*. New York: John willy and Sons Inc.

Di Pietro, M. C. (2007). Factors associated with the use of solvents and cannabis by medical students. *Addictive Behaviors*, 32(8), 1740-1744.

DiClemente, R. J., Wingood, G. M., Crosby, R., Sionean, C., Cobb, B. K., Harrington, K., & Oh, M. K. (2001). Parental monitoring: Association with adolescents' risk behaviors. *Pediatrics*, 107(6), 1363-1368.

Fallu, J. S., Janosz, M., Brière, F. N., Descheneaux, A., Vitaro, F., & Tremblay, R. E. (2010). Preventing disruptive boys from becoming heavy substance users during adolescence: A longitudinal study of familial and peer-related protective factors. *Addictive Behaviors*, 35(12), 1074-1082.

Harakeh, Z., Scholte, R. H. J., Vermulst, A. A., Devries, H., & Engels, R. C. M. E. (2010). The relations between parents' smoking, general parenting, parental smoking communication, and adolescents' smoking. *Journal of Research on Adolescence*, 20(1), 140-165.

Keogh-Clark, F., Whaley, R. C., Leventhal, A. M., & Krueger, E. A. (2021). Sex differences in the association between parental monitoring and substance use initiation among adolescents. *Addictive Behaviors*, 122(107024), 1-15.

Kuther, T. L. (2002). Rational decision perspectives on alcohol consumption by youth: Revising the theory of planned behavior. *Journal of Addictive behavior*, 27, 35-37.

Larm, P., Livingston, M., Svensson, J., Leifman, H., & Raninen, J. (2018). The increased trend of non-drinking in adolescence: The role of parental monitoring and attitudes toward offspring drinking. *Drug and Alcohol Review*, 37, 34–41.

Luk, J. W., Farhat, T., Lannotti, R. J., & Simons-Morton, B. G. (2010). Parent child communication and substance use among adolescents: Do father and mother communication play a different role sons and daughters? *Addictive Behavior*, 35, 210-217.

Mak, H. W., & Iacovou, M. (2019). Dimensions of the parent–child relationship: Effects on substance use in adolescence and adulthood. *Substance use & misuse*, 54(5), 724–736.

Mlunde, L. B., Poudel, K. C., Sunguya, B. F., Mbwambo, J. K., Yasuoka, J., Otsuka, K., & Jimba, M. (2012). A call for parental monitoring to improve condom use among secondary school students in Dar es Salaam, Tanzania. *BMC Public Health*, 12(1), 1-11.

Mustanski, B., Swann, G., Newcomb, M. E., & Prachand, N. (2017). Effects of parental monitoring and knowledge on substance use and HIV risk behaviors among young men who have sex with men: Results from three studies. *AIDS and Behavior*, 21, 2046–2058.

Noël, X., Brevers, D., & Bechara, A. (2013). A neurocognitive approach to understanding the neurobiology of addiction. *Current Opinion in Neurobiology*, 23(4), 632-638.

Odukoya, O. O., Sobande, O. O., Adeniran, A., & Adesokan, A. (2018). Parental monitoring and substance use among youths: A survey of high school adolescents in Lagos State, Nigeria. *Nigerian Journal of Clinical Practice*, 21(11), 1468-1475.

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]

Onishi, A., Kawabata, Y., Kurokawa, M., & Yoshida, T. (2012). A mediating model of relational aggression, narcissistic orientations, guilt feelings, and perceived classroom norms. *School Psychology International*, 33(4), 367-390.

Paschall, M. J., Ringwalt, C. L., & Flewelling, R. L. (2003). Effects of parenting, father absence, and affiliation with delinquent peers on delinquent behavior among African-American male adolescents. *Adolescence*, 38(149), 15-34.

Piko, B. F., & Kovács, E. (2010). Do parents and school matter? Protective factors for adolescent substance use. *Addictive Behaviors*, 35(1), 53-56.

Risi, S., Gerhardstein, R., & Kistner, J. (2003). Children's Classroom Peer Relationships and Subsequent Educational Outcomes. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 32(3), 351–361.

Romero, A. J., & Ruiz, M. (2007). Does familism lead to increased parental monitoring? Protective factors for coping with risky behaviors. *Journal of Child and Family Studies*, 16(2), 143-154.

Schafer, G. (2013). Family functioning in families with alcohol and other drug addiction. *Social Policy Journal of New Zealand*, 37, 1-17.

Stone, A. L., Becker, L. G., Huber, A. M., & Catalano, R. F. (2012). Review of risk and protective factors of substance use and problem use in emerging adulthood. *Addictive Behaviors*, 37(7), 747-775.

World Health Organization (2015). *World Drugs Report*, Switzerland. Retriewed at:https://www.unodc.org/wdr2017/field/WDR_2017_presentation_lauch_version.pdf

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.129]